



۱۱

گفت‌وگو با عباس جلالی یکتا، برنده جایزه ویژه جشنواره «انسی»

پویانمایی؛ هنری ناشناخته در ایران



بهشتی، بنی‌صدر را زودتر از همه شناخت



اولین اکران مردمی فیلم سینمایی «ایکس لارچ» برگزار می‌شود

فیلم دیدن با اکبر عبدی

فرهنگ

چهارشنبه ۵ تیر ۱۳۹۸ :: شماره ۵۴۱۶



۱۱

۹ جامه

قفسه

«سیاه‌چال مستقر» در شب خاطره حوزه هنری رونمایی می‌شود

خاطرات يك ديپلمات ربوده شده

✎ مراسم رونمایی کتاب «سیاه‌چال مستقر» با حضور جلال شرفی، راوی و سمیه عزیزی، نویسنده اثر هم‌زمان با مراسم شب خاطره ششم تیرماه در حوزه هنری برگزار می‌شود.

سیاه‌چال مستر به روایت جلال شرفی و به قلم سمیه عزیزی به‌تازگی از سوی انتشارات سوره مهر چاپ و منتشر شده است. این کتاب که از آثار ادبیات بازداشتگاهی یا اسارت به‌شمار می‌رود، درباره ربوده شدن جلال شرفی در پانزدهم بهمن ۱۳۸۵ است. او حین انجام خدمت دیپلماتیک در خیابان عرصات هندیه بغداد، به دست عده‌ای تروریست ربوده می‌شود و در فروردین ۱۳۸۶ از سیاه‌چال آنها فرار می‌کند و موفق می‌شود خود را به سفارت ایران برساند.

در این کتاب به زندگی سخت بازداشتگاهی يك اسیر و نقشه فرار وی پرداخته شده است. سنگ بنای اولیه کتاب سیاه‌چال مستر گزارشی رسمی است که آقای شرفی از این حادثه برای وزارت خارجه نوشته است.

در بخشی از این کتاب آمده است: «ظهر می‌شود، بعد از نماز منتظم نگهبان ناهار را بجاورد، ساعت دو وصفی ناهارم را می‌آورد. غذا را روی هیتز داغ می‌کنم و می‌خورم. یکی دیگر از کپسول‌ها را می‌خورم. حدود ساعت سه بعدازظهر وصفی دوباره می‌آید. این بار يك ماشین ریش‌تراش و آیینه همراه دارد. پایین که می‌آید، بدون این که دست و پایم را باز کند، روبه‌رویم می‌نشیند و می‌گوید: مستر دستور داده موهای شما را بتراشم و محاسن‌تان را اصلاح کنم.

يك ماشین ریش‌تراش «موزر» دستش است، آیینه‌راه من می‌دهد، يك آیینه گرد با قاب پلاستیکی آبی‌رنگ است که دسته هم دارد. آرام آن را جلوی صورتم می‌گیرم. کسی را که در آیینه می‌بینم، نمی‌شناسم! او حدود ده سالی از من بزرگ‌تر است، موهایش جوگندمی و بلند است با صورتی خسته که جای زخم‌هایش هنوز خوب نشده. آدم را می‌ترساند، هنوز باورم نشده این خودم باشم، ولی این قفله‌های اشل‌چه می‌گویند، که هم صورتم را خیس می‌کنند، هم صورت آیینه‌را! در خیابان عرصات هندیه که مرا از کنار ماشینم دزدیدند این‌طوری نبودم! خوب شد آقای مهدوی برگشت و دید که آنها مرا سوار يك بنز استیشن زهی زیتونی رنگ کردند.

با خودم می‌گویم؛ اگر الان دخترم زهرا مرا ببیند و نشناسد، دق می‌کنم. بعد می‌گویم؛ اگر هم مرا بشناسد، او دق می‌کند!

وصفی سریع آیینه را از دستم می‌گیرد و به زمین می‌کوبد و می‌شکند؛ می‌گوید: «می‌خواهی این قدر گریه کنی تا دیوانه شوی؟!» برای لحظه‌ای این دلجویی وصفی به دلم می‌نشیند. رفتارش نرم‌تر شده است.»

مراسم رونمایی کتاب سیاه‌چال مستر هم‌زمان با مراسم شب خاطره، پنجشنبه ششم تیرماه از ساعت ۱۸ در تالار سوره حوزه هنری در خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ برگزار می‌شود. ✎



آذر مهاجر

هنر و ادبیات



محمد صادق

علیزاده

هنر و ادبیات

✎ تا همین چند وقت پیش، بومی‌ترین سرگرمی فرهنگی برای گروه سنی کودک و نوجوان، ادبیات و قصه‌های زیبای ایرانی بود که متأسفانه این یکی هم نه چندان آرام، دارد توسط آن سوی آبی‌ها فتح می‌شود.

سال‌هاست محصولات مرتبط با سرگرمی‌های کودکان و نوجوانان در حوزه سینما، پویانمایی، بازی‌های رایانه‌ای، اسباب‌بازی و سایر موارد، وارداتی هستند و حالا نوبت به ادبیات و قصه رسیده آن هم برای کشوری که در قصه و افسانه سابقه دیرینه دارد.

ماجرای فقط این نیست که از این پس بچه‌های ایرانی درباره پیترو و گریگوری و آن شرلی و جودی

مسؤولان باغ کتاب با ارائه آثار، تصویر واقعی‌تری از این مجموعه ترسیم کردند

سبقت آزاد باغ کتاب از کانون؟

✎ حتماً باغ کتاب به گویشتان خورده. مجموعه خوش رنگ و لعابی که دو سالی است در تهران میزبان ساکنان پایتخت است. مجموعه‌ای ۱۱۰ هزار متر مربعی که در منطقه عباس‌آباد تهران بنا شده و بعد از کش و قوس‌های متعدد در نهایت بعد از پیش از يك دهه در تیر ۱۳۹۶ و در آخرین روزهای مسؤولیت شهردار اسبق تهران (قالیباف می‌شود شهردار اسبق اسبق دیگر تهران در این دو سال، سه شهردار به خودش دیده‌ا) به بهره‌برداری رسید. افتتاح و بهره‌برداری که البته چندان هم بی‌حاشیه نبود. بعضی انتقاد داشتند که این مجموعه یکی از بزرگ‌ترین رقبای کتابفروشی‌های پایتخت خواهد بود با این تفاوت که از محل بودجه عمومی تغذیه می‌کند و رقابت با آن ناعادلانه نیست به خصوص که صنف کتابفروش هم حاشیه سود بالایی ندارد. حالا بعد از دو سال از راه‌اندازی این مجموعه، هیات مدیره باغ کتاب در سالروز راه‌اندازی‌اش يك نشست خبری گذاشته و پاسخگوی رسانه‌ها بوده‌اند. این نشست روز گذشته در محل باغ کتاب برگزار شد.

بالاخره بعد از دو سه‌روز پیگیری از طرف مجموعه باغ کتاب، خبرنگاران و اهالی رسانه صبح روز گذشته خودشان را به اتوبان حقانی رساندند تا در نشست خبری مسؤولان این مجموعه شرکت کنند. از هماهنگی و پیگیری روابط عمومی مجموعه هم نباید گذشت که به حق تا لحظات آخر راهنمای اصحاب رسانه بودند. این را از آن جهت می‌گویم که اصولاً منطقه مورد نظر، به دلیل قرار گرفتن بین دو سه بزرگراه اصلی شمال تهران، از نظر دسترسی وضعیت مطلوبی ندارد. حالا تصور کنید يك خروجی را اشتباه پیچید، باید بروید يك دور قمری در شمال تهران بزنید تا برگردید سر جای اول‌تان. بگذریم!

✎ باغ کتاب رقیب کتابفروشی‌هاست؟

مهدی رضانی که نایب رئیس هیات مدیره باغ کتاب محسوب می‌شود در نشست روز گذشته آمار جالبی داده است. آماری که البته می‌شود رویش ایستاد و کمی حرف زد و تحلیل کرد. رضانی گفته طبق پیمایش‌هایی که انجام داده‌اند، فقط ۵۰ درصد کسانی که به باغ کتاب آمده‌اند پیش از آن تجربه حضور در يك کتابفروشی را داشته‌اند. التفات دارید؟ فقط ۵۰ درصد! این آمار از چه جهت مهم است. عرض می‌کنیم. اجازه بدید برگردیم به دعوای و حاشیه‌های دو سال گذشته. بخش مهمی از انتقاداتی که از جانب بعضی چهره‌های فرهنگی و رسانه‌ای عنوان می‌شد. این که باغ کتاب آفت و بلای جان کتابفروشی‌ها خواهد بود این صحبت‌ها.

عنوان این مجموعه (باغ کتاب) و شعاری که در ادامه آن به عنوان بزرگ‌ترین کتابفروشی جهان هم مطرح می‌شد به این شبهه دامن می‌زد. حالا اما بعد از

داشته باشد. به عبارت دیگر، باغ کتاب تربیت‌کننده مشتری برای کتابفروشی‌ها خواهد بود نه رقیب آنها! هر کسی که يك مرتبه به باغ کتاب برود این گزاره را تایید می‌کند که کار ویژه اصلی باغ کتاب نه مربوط به حوزه خاص کتاب و کتابخوانی بلکه مربوط به خلق تجربیات علمی و فرهنگی برای کودکان و نوجوانان است.

✎ کانونی‌ها اعتراضی ندارند

با این احتساب و در صورتی که این فرضیه ما در عالم واقعیت هم به وقوع بپیوندد، باغ کتاب يك پله قبل‌تر از کتاب و کتابفروشی است. روی همین حساب این مجموعه اگر بخواهد رقیب باشد، بیشتر رقیب مرکزی مانند کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خواهد بود تا کتابفروشی‌های پایتخت؛ چرا که عمده کارکردش با فعالیت‌های کانون همپوشانی دارد تا کتابفروشی‌ها. این که این اتفاق در درازمدت اتفاق خواهد افتاد یا نه را باید به انتظار زمان نشست. فعلاً همین قدر می‌شود گفت که صدای این هم از کانون بلند نشده است.

✎ پول گرفتن ممنوع!

در این نشست خبری، پای مطالب بامزه دیگری به میان آمده از جمله حق پارکینگ که از بازدیدکنندگان گرفته می‌شده. وقتی مسؤولان باغ کتاب داشتند از خدمات رایگان این مجموعه صحبت می‌کردند، خبرنگاران یادشان آمد که پارکینگ آن منطقه وجه نقد از بازدیدکنندگان می‌گرفته. نایب رئیس باغ کتاب پاسخ این شبهه را داده که این گیت‌ها برداشته شدند و در ادامه هم گفته که ما از ابتدا مخالف گذاشتن این گیت‌ها بودیم اما آنها را شرکت نوسازی عباس‌آباد ایجاد کرده بود. الان نیز قرار است در حاشیه معابر باغ کتاب پارک شهرهایی را ایجاد کند.

✎ دعوی بالاشهر-پایین شهر

محسن جلالی فراهانی، مدیرعامل باغ کتاب هم که انکار ملفت بحث جنوب شهر شمال شهر بوده،

بیشتر خواهند خواند یا درباره مجید و ماه پیشونی و حسنی و خاله سوسکه یا این که بچه‌های نسل جدید قرار است مثل پدرها و مادرهایشان درباره ساکنان کوهستان‌های آلپ بیشتر بدانند تا درباره فرهنگ اقوام ایرانی.

پیشی گرفتن آمار کتاب‌های ترجمه بر کتاب‌های تالیفی علاوه بر دغدغه‌های فرهنگ، مسائل دیگری هم به دنبال دارد که سعی کرده‌ایم در ادامه برخی از آنها را بررسی کنیم. بدون تردید آشفتگی بازار نشر وضعیت کاغذ و اوضاع نابسامان ناشران بر ادبیات داستانی کودک و نوجوان هم سایه افکنده است.

آنچه امروز در این گزارش می‌خوانید، خبری است از آغاز نابسامانی نشر کودک و نوجوان که از یکی دو سال پیش شکل گرفته است.

خودش پاسخ این شبهه را که این مکان در شمال تهران واقع شده و جنوب‌شهری‌ها بهره‌کافی از آن نمی‌برند، داده و گفته: باغ کتاب تهران در نیمه شمالی تهران قرار گرفته است و این شائبه را ایجاد می‌کند که باغ کتاب محلی برای کسانی است که در بالای شهر زندگی می‌کنند یا امکانات اقتصادی بهتری دارند. اما پایش‌های باغ کتاب این موضوع را نشان نمی‌دهد و براساس پایش‌های ما افراد مختلف باگرایش‌ها و درآمد‌های مختلف و از مناطق جنوبی به باغ کتاب می‌آیند... ما برای این که همه دانش‌آموزان بتوانند از امکانات باغ کتاب استفاده کنند، اردوهایی را برای دانش‌آموزان مناطق جنوبی در نظر گرفته‌ایم و هزینه حمل و نقل و آوردن این دانش‌آموزان از مناطق جنوبی را تقبیل کرده و به صورت رایگان در مراکز علم پذیرای آنها هستیم. همچنین با بنیاد علوی

تفاهم‌نامه‌هایی داشته‌ایم تا ده هزار کودک از حاشیه‌های کشور برای بازدید از باغ کتاب به تهران بیایند. ✎



شخصیت‌های محبوب کارتون‌ی حضور زیادی در باغ کتاب دارند

از بچه‌های کتابخوان

تاباغ کتاب



يك بار دیگر چهارشنبه شد. يك بار دیگر هم هفته دارد تمام می‌شود. تايك سنی آدم حواسش به این گذر تند زمان نیست، اما از يك جایی به بعد به خودت می‌آیی می‌بینی روزها، ماه‌ها و حتی سال‌ها چه تند و سریع می‌گذرند و می‌روند... خلاصه که يك بار دیگر هم آمد و دارد می‌رود، می‌شود يك آخر هفته دیگر برویم سراغ این که ببینیم امروز چه کرده‌ایم و چه گزارش‌هایی داریم برایتان.



باغ کتاب تهران را که بلد هستید، حتی اگر نرفته باشید هم نامش را بسیار شنیده‌اید و عکس‌های جذابی از آن در فضای مجازی دیده‌اید. روز گذشته رئیس باغ کتاب در يك نشست خبری با رسانه‌ها مفصل حرف زد و ما هم رفتیم سراغ حرف‌های مطرح شده در این نشست خبری تا ببینیم در تحلیل حرف‌های جناب آقای رئیس چه می‌توان نوشت. این مطلب را در همین صفحه‌ای که دست‌تان است، بخوانید.



در صفحه ۱۰ هم آذر مهاجر رفته سراغ کتاب‌های ترجمه در حوزه کودک و نوجوان و کتاب‌های این عرصه را کلا بررسی کرده است. این که چه شده مهاجر يك روز کاغذ را بی‌خیال شده و رفته سراغ حوزه ترجمه، موضوعی است که خودش جای فکر و بررسی دارد. اگر حواس‌تان به گزارش‌های این همکارمان طی يك سال گذشته بوده، می‌دانید مهاجر و بازار کاغذ چه ماجراها با هم داشته‌اند. حالا او این بار رفته سراغ بازار ترجمه‌های کودک و نوجوان و بررسی کرده که چقدر از کتاب‌ها ترجمه‌اند و چقدر تالیف. خب ناگفته همه می‌دانیم که بازار کتاب افتاده دست ترجمه‌ها و در مقایسه با آمار بالای این دسته از کتاب‌ها، آثار تالیفی باید در مقابل آنها تا کمر خرسوند و بگویند اول شما بفرایمید! بخوانید و ببینید همکارمان چطور و از چه زاویه‌ای به این اتفاق پرداخته و آسیب‌های این پدیده را چطور ریزایی کرده است.



اگر پویانمایی‌های وطنی را دنبال کرده باشید، بی‌تردید می‌دانید در این سال‌ها چه رشد و پیشرفتی داشته‌اند. در جشنواره‌های خارجی زیادی درخشانده و جایزه هم گرفته‌اند. عباس جلالی‌یکتا، یکی از ایسن پویانمایی‌سازان است با کارنامه‌ای پر از جایزه و موفقیت در سطح جهانی. او چند پویانمایی‌ساز ایرانی دیگر به جشنواره‌ای در کره دعوت شده‌اند تا به‌عنوان نمایندگان کشورمان معرف

سطح پویانمایی ایرانی در جهان باشند. ساناز قنبری همکارمان در گروه سینما رفته سراغ جلالی‌یکتا و با او درباره موفقیت‌هایش و همچنین دشواری‌های کار پویانمایی در ایران گفت‌وگو کرده است. این مطلب را در صفحه ۱۱ امروز بخوانید.



در صفحه ۱۲ هم محمدرضا کانیی، پژوهشگر تاریخ رفته سراغ حسین مهدیان، شخصی که سابقه هممشینی با بزرگانی چون دکتر علی شریعتی و شهید آیت... دکتر سیدمحمد بهشتی را داشته است. با توجه به نزدیکی سالروز قاجحه هفتم تیر خواندن این گفت‌وگوی جالب را از دست ندهید. ✎